

پاسخ به مسئله رنج از دیدگاه عطار نیشابوری

مریم اسماعیلی

کارشناسی ارشد دین شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

رنج مسئله‌ای است که هر انسانی بارها آن را در زندگی شخصی خود با اتفاقاتی همچون رنج از بیماری، غم فراق، سختی‌های زندگی روزمره، تجربه کرده است. ما در این اثر بر آن شدیم که مسئله رنج را از دیدگاه فردی بررسی کنیم که به فراخور زندگی شخصی خویش، غم و رنج را بارها تجربه کرده و از سویی به خاطر وضعیت اجتماعی خاصی که داشته، شاهد درد و رنج مردم زمان خود بوده است. «فریدالدین محمد عطار نیشابوری» که از شاعران و عارفان نام آوازه ایران است؛ در آثار خود بارها به بیانات مختلف به بررسی علت رنج و چاره‌سازی برای آن پرداخته است. عامل ایجاد رنج، «شر»ی است که در مقابل خیر قرار دارد. اندیشه انسان این است که هر چیزی که از دیدگاه او خیری در آن نیست، برای او شر محسوب می‌شود و در نتیجه باعث درد و رنج اوست. اما چه بسیار مواردی که آدمی گمان می‌کند، شر بر او حاکم شده ولی در پایان آن رویداد، خیریتی هست که او با عقل ناقص خود از آن بی‌اطلاع است. پس لازم است که از معنای شر، ملاک تشخیص خیر و شر، خیر و شر در جهان بینی اسلامی، اقسام خیر و شر و خلقت و تقدیر خیر و شر آگاه گردیم. همچنین باید شر را در جایگاه‌های مختلف همچون شر از منظر عرفای اسلامی، شر از منظر فلسفه و الهیات غربی، شر از منظر آیات قرآن و شر از منظر روایات اسلامی؛ بررسی کنیم تا دریابیم تمام اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان معتقدند انسان آنچه گمان می‌کند رنج را برای او حاصل می‌کند، همیشه شر نیست و با کمی صبوری، اتکا به منبع لایزال الهی برای بالا بردن ظرفیت روحی خود و تغییر اندیشه‌اش نسبت به رویدادها؛ می‌تواند با سربلندی از این امتحان الهی بیرون آید. عطار نیشابوری در آثار خود به انواع رنج و راه چاره‌های رهایی و البته پذیرش آن پرداخته است. در واکاوی آثار عطار با این پرسش که آیا این رنجی که انسان می‌برد، سودی برای او دارد یا خیر؛ به این پاسخ‌ها رسیدیم که رنج باعث کمال و پرورش روح، دوری از پلیدی، رسیدن به مقام رضا و شکر، ابزاری برای سنجه ایمان و اخلاص و وسیله‌ای برای دست نیاز بردن به سوی خدا و در نهایت فنا فی الله است. عطار نیشابوری برای تسلی رنج بیان می‌دارد که با نخواستن و طلب نکردن هیچ چیز، یادکرد ماهیت ناپایدار این جهان و نعمات و الطاف پیشین الهی و غم افزون تر عشق و طلب الهی، یادکرد مشکلات سایر مردم؛ می‌توان از غم و دردی که رنج به همراه دارد، کاست.

واژگان کلیدی: رنج، شر، عطار نیشابوری، عشق، خدا

مقدمه

تمامی انسان‌ها فارغ از دین‌دار و بی‌دین حتی برای یک‌بار هم، درد و رنج را در زندگی خود تحمل کرده و چه بسیار افرادی که سال‌های سال از زندگی خود را با رنجی ثابت طی می‌کنند. مانند افراد معلول یا کسانی که پرستار یک فرد همیشه بیمار در خانواده خود هستند. حتماً این سؤال در ذهن آن‌ها یا ناظران زندگی‌شان نقش بسته که چرا خداوند که ارحم الراحمین است، تحمل دیدن این رنج و سختی را بر بنده خود می‌پذیرد؟ چرا ما انسان‌ها باید بسیاری از خواسته‌هایمان را با تحمل رنج و سختی کسب کنیم؟ چرا برخی دیگر از افراد به راحتی به آنچه می‌خواهند می‌رسند و کمتر سختی در زندگی تحمل کرده‌اند؟ چرا خداوند شر را آفریده تا انسان در مواجهه با آن دچار رنج و سختی شود؟ رنجی که بشریت به دلایل مختلف متحمل می‌شود یکی از عواملی است که او را از پرداختن به زندگی عادی باز می‌دارد و از سویی نظر او را نسبت به هستی، دین و خداوند تغییر می‌دهد. در این حال شکی انسان را در برمی‌گیرد که آیا خداوندی که این همه شر و سختی را آفریده را می‌توان به عنوان معبود پرستید؟ و آیا هنوز قابل اعتماد است؟ از سویی عشقی که انسان نسبت به خداوند داشته مورد تردید قرار می‌گیرد. پس حس بی‌اعتمادی به خدا و ترس و تردید نسبت به او در دل انسان جای می‌گیرد.

دانشمندان فلسفه دین در پی یافتن دلیل این همه رنج بشر بوده و هستند ولی از سویی عرفا علی‌الخصوص عرفای اسلامی به دنبال یافتن راهی برای التیام این آلام بوده‌اند.

پیشینه تحقیق

دریای جان / هلموت ریتز؛ ترجمه دکتر عباس زریاب خویی و دکتر مهر آفاق بایبردی

در این کتاب به زیبایی رنج و سختی و اندیشه یک عارف و سالک به تصویر کشیده شده است ولی این مسئله به طور پراکنده و بدون نظم خاصی در گفتارها گنجانده شده است. در این رساله سعی کرده‌ایم مسئله رنج را در دو قسمت مجزای: «معنای رنج» و «تسلی‌های رنج» از دیدگاه عطار نیشابوری بررسی کنیم.

اندیشه عطار / قادر فاضلی

این کتاب به صورت منظم مباحث مختلف دینی و روابط انسان با خدا و دنیای پیرامون او و همچنین مؤلفه‌های مختلف مانند عقل، عشق، جان و دل و دعا و نیایش را از دیدگاه عطار بررسی کرده است. اما رنج به صورت مستقل در این کتاب تبیین نشده است و باید بخش‌های مختلفی که رنج در آن جایگاه دارد مانند روابط انسان با خدا، انسان با جهان پیرامون، شریعت و ... مورد بررسی قرار داد و از چکیده آن‌ها دیدگاه عطار نیشابوری درباره رنج و پاسخ او به این مسئله مهم دینی و عقیدتی را یافت.

بلا از دیدگاه عطار نیشابوری و مولوی / پروین کاظم‌زاده

در این کتاب در بخشی به صورت مفصل، به مسئله بلا در قرآن و زندگی پیامبران پرداخته شده است. و این امر با نام اثر که بررسی بلا از دیدگاه عطار نیشابوری و مولوی است، ناهماهنگی دارد.

ما نیز در این رساله شر را از منظر قرآن و عرفای اسلامی بررسی کرده‌ایم اما در این تحقیق سعی شده که تنها بر روی سؤال اصلی و دریافت پاسخ ویژه آن متمرکز شود.

صدای بال سیمرغ

یکی از نقاط ضعف بسیار بزرگ این اثر فاخر، نداشتن فهرست موضوعی است. چراکه برای یافتن زندگی عطار در دوران خاص سنی و یا پی بردن به اندیشه وی در موضوع خاصی، باید تمامی کتاب را مطالعه کرد و در میانی مطالب به مقصود رسید. و این ضعف باعث می‌شود، پژوهشگر از مطالعه این اثر باز ارزش توشه کمی برگیرد.

معرفی اجمالی عطار نیشابوری

طبق بیان دکتر شفیع کدکنی، اطلاعات دقیقی از عطار در دست نیست و زندگی هیچ شاعری به اندازه زندگی عطار، در ابر ابهام نهفته نمانده است.

فقط می دانیم که او در نیمه دوم قرن ششم و ربع اول قرن هفتم می زیسته و اهل نیشابور بوده است و چند کتاب منظوم و یک کتاب به نثر از او باقی مانده است.

از اساتید، شاگردان، معاصران، سفرهایی که رفته و زندگی شخصی او هیچ اطلاع قطعی وجود ندارد.

و باز به قول دکتر شفیع کدکنی همین پوشیده ماندن در ابر ابهام، خود یکی از دلایل تبلور شخصیت او است که مثل دیگر قدیسان عالم در فاصله حقیقت و رؤیا و افسانه و واقعیت در نوسان باشد.

در آثار مسلم او تصریح به نام او که «محمد» است شده و خود در مواردی از همنامی خویش با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) یاد کرده است. و در شعرهای خود تخلص «عطار» و «فرید» را آورده است. پس در این که وی «فریدالدین محمد عطار» و اهل نیشابور است، تردیدی نیست.^۱

عطار در میان سه شاعر برجسته تصوف ایرانی، یعنی جلال الدین مولوی و سنایی و عطار، کسی است که با هیچ درباری به هیچ وجه رابطه نداشته است. برخلاف سنایی که مقدار زیادی از عمرش را به مداحی گذرانده و برخلاف مولانا که بر طبق اسناد زندگی نامه اش و نامه هایش، به هر حال به دربارهای عصر رابطه داشته و آن ها به او ارادت می ورزیده اند و او نیز گاه گاه روی خوش به آن ها نشان می داده است. ولی عطار هیچ گاه حاضر نشده است شعرش را به مدیح کسی بیالاید.^۲

اینکه وی به مرگ طبیعی نمرده و به دست کفار تاتار شهید شده است جزء اطلاعات مسلم تاریخ ادبیات فارسی است. و مرحوم فروزان فر حدس می زند که شهادت او در همان واقعه معروف حمله تاتار یعنی ماه صفر ۶۱۸ ق باشد. پس آنچه پذیرفتنی است این است که وی شهید شده و شهادت او در نیشابور بوده است.^۳

عطار بی گمان پیرو مذهب سنت و جماعت بوده ولی به خاندان رسول (صلی الله علیه و آله) ارادت خاصی داشته است. آنچه در باب تشیع او نوشته اند همه برگرفته از آثاری است که هیچ نسبتی با او ندارند.^۴

آثار عطار

عطار خود در مقدمه مختارنامه که آن را در آخرین مراحل عمر خویش تدوین کرده است، از این آثار خود نام می برد: «چون سلطنت خسرو نامه در عالم ظاهر گشت و اسرار اسرارنامه منتشر شد و زبان مرغان طیور نامه ناطقه ارواح را به محل کشف رسید و سوز مصیبت مصیبت نامه از حد و غایت درگذشت و دیوان دیوان ساختن تمام داشته آمد و جواهر نامه و شرح القلب (که هر دو منظوم بودند) از سر سودا نامنظم ماند که خرق و غسلی بدان راه یافت».

پس وی صاحب چهار منظومه است که از آن ها با عنوان اسرارنامه، مقامات طیور (منطق الطیر)، خسرو نامه (الهی نامه) و مصیبت نامه یاد می کند و علاوه بر این ها دیوان و مجموعه رباعیات (مختارنامه) دارد.^۵

«منطق الطیر» عطار یکی از برجسته ترین آثار عرفانی در ادبیات جهان است و شاید بعد از مثنوی شریف جلال الدین مولوی، هیچ اثری در ادبیات منظوم عرفانی در جهان اسلام، به پای این منظومه نرسد و آن توصیفی است از سفر مرغان به سوی «سیمرغ» و ماجراهایی که بر ایشان گذشته و دشواری های راه ایشان و انصراف بعضی از ایشان و هلاک شدن گروهی و

۱. عطار نیشابوری، محمد، منطق الطیر، ص ۳۰.

۲. عطار نیشابوری، محمد، مختارنامه، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۲۹.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. همان، ص ۳۳.

سرانجام رسیدن «سی مرغ» از آن جمع انبوه به زیارت «سیمرغ». در این منظومه لطیف‌ترین بیان ممکن از رابطه حق و خلق و دشواری‌های راه سلوک عرضه شده است.

«اسرارنامه» عطار نیز منظومه‌ای است مشتمل بر حکایات کوتاه عرفانی که در چند باب تدوین شده است.

«مصیبت‌نامه» یکی از برجسته‌ترین آثار عطار است. شاید پس از منطق‌الطیر مهم‌ترین منظومه او باشد و به لحاظ پختگی فکر و تنوع اندیشه‌ها در کمال اهمیت است و ظاهراً به لحاظ تاریخی آخرین منظومه عطار به شمار می‌آید.

«دیوان غزلیات و قصاید» عطار نیز یکی از متداول‌ترین دیوان‌های شعر پارسی است که از همان قرن هفتم همواره موردعلاقه و شوق دوستداران شعر عرفانی فارسی بوده است.

«مختارنامه» که مجموعه رباعیات عطار است، مشتمل بر حدود دو هزار و سیصد رباعی است و عطار خود در اواخر عمر آن‌ها را در پنجاه باب تدوین کرده و مقدمه‌ای به نثر نیز در آغاز آن قرار داده است.

«تذکره الاولیا» عطار در ادبیات منثور عرفانی گلِ سرسبد تمام آثار است. نه در فارسی مانند برای آن می‌توان یافت و نه در عربی. نثری دل‌آویز که هر برگِ آن دیوان درخشانی از زیباترین شعرهای منثور جهان است.

جز آن چهار منظومه (منطق‌الطیر، الهی‌نامه، اسرارنامه و مصیبت‌نامه) و دیوان و مختارنامه و تذکره الاولیا؛ هیچ اثر دیگری از عطار نیست و تمام منظومه‌های نادرستی که به اسم بلبل‌نامه، بیسرنامه، پسرنامه و... وجود دارد و به نام عطار چاپ‌شده، از آثار او نیست.^۶

شعر عطار در نگاه نخستین، گاه خواننده را می‌رماند اما شکیبایی و قدری آمادگی روحی لازم است تا به درون این باغ‌راه پیدا کنیم. وقتی انس گرفتیم می‌بینیم که در آن سوی بعضی ناهماهنگی‌ها، چه منظومه منسجمی از احساس و اندیشه موج می‌زند.^۷

منطق‌الطیر او به‌ظاهر سخن از پرواز مرغان به‌سوی سیمرغ دارد ولی در معنی رمزی است از سلوک عرفان و سیر معنوی ایشان در طریق معرفت.

مصیبت‌نامه نیز سفری است روحانی، با قلمروهایی دیگر و از مسیری دیگر، اما به‌سوی همان مقصد که در منطق‌الطیر دیده می‌شود و پایان هر دو سفر یکی است.^۸

پرسش‌ها

پرسش اصلی

پاسخ‌های عرفای اسلامی با تأکید بر «شیخ فریدالدین عطار نیشابوری» به مسئله رنج چیست؟

پرسش‌های فرعی

معنای رنج از دیدگاه عطار نیشابوری چیست؟
تسلای‌های رنج از دیدگاه عطار نیشابوری چیست؟

فرضیه

پاسخ عطار به مسئله رنج به‌جا و مربوط است. او از راه ذکر معنا برای رنج‌های پوچ و تسلا دادن انسان رنج‌کشیده، استفاده کرده است.

^۶. همان، ص ۳۵.

^۷. همان، ص ۳۸.

^۸. عطار نیشابوری، محمد، مصیبت‌نامه، ص ۳۵.

مسئله رنج

رنج در مسیحیت

رنج passion از کلمه passio لاتین اخذ شده است که دارای معنای مختلفی است. الف) معنای متعارف آن، تحریک و یا به هیجان آوردن عواطف است. رنج در این معنا، گاه اشاره دارد به شهوت و رنج حاصله از آن که در آیات چندی از کتاب مقدس بیان شده است. ب) گاه به معنای برخی چیزهای رنج آور و یا تن دادن به آن‌ها است. ج) این واژه همچنین برای اشاره به رنج و مرگ مسیح به کار برده شده است. و به لحاظ ریشه‌شناسی مفهوم آن به رنج جسمانی و به‌طور ویژه به شکنجه و عذاب مسیح و بعدها مسیحیان اولیه، مربوط می‌شود. در میان مسیحیان اولیه، این کلمه به کرات برای اشاره به مصیبت‌نامه مسیح به کار برده شده است.

رنج در الهیات مسیحی اصطلاحی است که به رنج باطنی، الم جسمی و یا مصائب مسیح در هفته آخر حیاتش (از شام آخر تا مصلوب شدن) و همچنین به کل آئین رستاخیز وی اطلاق می‌شود. Passion اولین اصطلاحی است که در قرن دوم در متون مسیحی به‌طور دقیق برای شرح رنج‌ها و مصائب مسیح به کار رفته است. این واژه کاربردهای متعددی دارد و امروز برای شرح روایت‌های شهادی مسیحی نیز به کار می‌رود. و به‌طور اساسی واژه passio شرح گزارش رنج یک شهید است که به واسطه مسیحیان مکتوب شده است و مبتنی بر شهادت شاهدان عینی است. این مکتوبات را «رنج‌نامه» یا «مصیبت‌نامه» نیز می‌گویند.

رنج یا الم یکی از مشکلات مداوم نوع بشر است. اولین دیدگاه در علت رنج، گناه فردی و یا اجتماعی است. بدین ترتیب گاه رنج به عنوان نتیجه گناه انسان نخستین در نظر گرفته می‌شود. در این دوران همه اینها بشر دچار رنج و مصیبت عظیم خواهند شد. دیدگاه سوم، امتحان از سوی خداوند است یعنی خداوند انسان‌ها را به واسطه الم و رنج‌هایشان مورد آزمایش قرار می‌دهد. اینکه آیا انسان به خدا باایمان می‌ماند یا خیر؟ در حقیقت رنج، آزمایش و هدایت به خوبی‌های بزرگ‌تر، خیرورکت است. برای نمونه رنج ابراهیم در قربانی فرزندش، رنج یوسف از برادرانش، مصائب ایوب، و سوسه عیسی از سوی شیطان.^۹ در عهد عتیق، به‌ویژه در اسفار پنج‌گانه، رنج در قالب رابطه گناه و کیفر تبیین می‌شود. این رابطه در کتاب ایوب، با پیش کشیده شدن رنج بی‌گناهان و برخورداری گناهکاران، زیر سؤال می‌رود و در مزامیر و بیانات اشعیا و ارمیا همین روند تداوم می‌یابد. در عهد جدید رابطه دیگری غالب می‌شود که در آن به جای جست‌وجوی علت رنج در گذشته فرد یا اسلاف او، به کارکرد رنج و ویژگی تعالی بخشی آن توجه شایانی شده است.

«سورن کرگگور» که در بستر مسیحیت پروتستانی به کتاب مقدس و به‌ویژه عهد جدید و مفاهیم مطرح در آن مؤمنانه دل سپرده و مکتب فکری اگزیستانسیالیسم را پایه‌گذاری کرده است؛ به رنج نه بر مبنای رابطه گناه و کیفر و نه به عنوان مانع یا مشکل؛ بلکه به عنوان یکی از ویژگی‌های انفسی فرد انسانی توجه می‌کند. این ویژگی در نظر او چنان برجسته می‌شود که او در سپهر دینی، رنج را مکتب تعلیم‌دهنده و نشانه مسیحیت حقیقی و راه تعالی فرد می‌داند و با این رویکرد به قرائت رنج در کتاب مقدس می‌پردازد.^{۱۰}

رنج به‌ویژه مصائب مسیح، از اعتقادات اصلی و کانونی مسیحیت است. روایت رنج عیسی مسیح در آیات چندی از کتاب مقدس به‌ویژه اناجیل اربعه و باب اول کتاب اعمال رسولان ذکر شده است. رنج مسیح در اناجیل شامل بخش‌هایی است: الف) بخش باستانی که اساس مشترک داستان رنج پیر صومعه یا مسیح در چهار انجیل است؛ ب) توسعه سنت اناجیل درباره این رنج؛ ج) خصوصیت رنج در داستان این چهار کتاب قانونی است.

^۹. شیرخدایی، انسیه، مقاله «رنج در مسیحیت»، ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۴۷، اسفند ۱۳۹۴ش، سال دهم.

^{۱۰}. نصرتی، یحیی، مقاله «مکتب رنج»، قرائت کرگگور از رنج در مسیحیت، نشریه نقد و نظر، شماره ۶۸.

هفته رنج، هفته پیش از عید پاک است یعنی هفته میان یکشنبه نخل ریزان (زمان ورود عیسی مسیح به اورشلیم، عید فصح) و یکشنبه عید پاک (زمان ایثار و فداکاری و رنج بردن مسیح) را گویند. که رنج خداوند ما عیسی مسیح یا رنج بر صلیب نیز خوانده می‌شود.^{۱۱}

در انجیل آمده است مسیح با رنجش خویش و از طریق رنج اطاعت را آموزش داد. او به واسطه رنج کامل شده و روح حیات بخش گردید. در حالی که اناجیل بر بی‌گناهی وی شهادت می‌دهند. یعنی با اینکه قدوس و معصوم بود، رنج بسیار برد تا گناهکاران را رهایی بخشد. او در عین قدوسیت به‌طور حقیقی، یک انسان با همه ابتلائات جسمی بود.^{۱۲}

رنج در سخن شاعران

یکی از موضوعاتی که بر اندوه‌گینی و گله‌مندی شاعران و انگیزه شکایت آن‌ها دلالت می‌کند، اشعاری است که محتوای آن برآمده از دردهای درونی و اسرار شاعر و حکایت حال خود است. که از لحاظ معنوی و مفهوم در نوع ادبی خود «بث الشکوی» نام دارد. «بث الشکوی» عنوانی است برای اشعاری که مضمون و محتوای آن شکوه و شکایت از دردها و رنج‌هایی است که شاعر محتمل شده است. «بث» آشکار کردن راز و اندوه سخت^{۱۳} و «بث الشکوی» به معنی بیان شکایت، شکایت برداشتن و شکایت بردن است.^{۱۴}

بث الشکوی را می‌توان بر اساس کتب بلاغی و بدیعی از یک‌سو و نیز بنیاد نگرش‌های جدید که از نظر محتوا به شعر و ادب نگریسته می‌شود از سوی دیگر، مورد بحث و بررسی قرار داد:

الف) دیدگاه قدیم: به گواهی کتب بلاغی، قدما بث الشکوی را به‌عنوان موضوعی غیرمستقل، ضمن بدیعی کلام جامع مورد بحث قرار داده‌اند و طبق نظر همه بزرگان علم بلاغت، کلام جامع، کلامی است مشتمل بر حکمت و موعظه و شکایت. و حکمت و موعظه و شکایت؛ مضاف‌الیه‌های کلام جامع به شمار می‌آیند.

ب) دیدگاه جدید: طرفداران این دیدگاه تحت تأثیر طبقه‌بندی‌های رایج در ادبیات اروپایی قرار گرفتند و بث الشکوی را به‌صورت درون‌مایه‌ای مستقل مورد بررسی قرار دادند. طبق نظر این گروه، بث الشکوی جز ادبیات غنائی محسوب می‌شود. و بر شعری اطلاق می‌شود که در آن شاعر، شکوه‌ها و شکایت‌های خود را از روزگار بازگو می‌کند.

شاعران در طول تاریخ، گران‌سنگ و پربار شعر فارسی عموماً مظلوم واقع شده‌اند و به جهات عدیده و از سوی افراد و مقام‌های متفاوت و متعدد مورد رنج و تعب قرار می‌گرفته‌اند: یکی به جرم مذهب و عقیده همچون ناصر خسرو و فردوسی، یکی با حربه تصوف و خرفه پوشی، یکی به جرم روشنگری و آزادیخواهی و

علی‌رغم تصور کسانی که فکر می‌کنند شاعران از هر جهت در ناز و نعمت بوده‌اند که توانسته‌اند چنین آثاری از خود بر جای بگذارند، باید گفت که آن‌ها هم جزء مردم بوده و کار شاعری به جهت داشتن روحیه حساس و لطافت طبع است. همان‌گونه که مردم عادی هر کدام از چیزی رنج می‌برند شاعران نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند.

انواع درد و رنج که در شعر شاعران متبلور است شامل: مرگ عزیزان، رنج سرایش شعر، برخورد نامناسب ممدوحان، مسائل فکری و عقیدتی، اجتماعی، تنگی معیشت، حسادت حاسدان، دولت‌ها و حکومت‌ها، عشق؛ است.^{۱۵}

در میان شاعران، مسئله درد و رنج از حیث معرفتی یعنی هستی‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی از یک‌سو و همچنین از حیث درد و رنج، در شعر شاعران زن، نمود بیشتری دارد.

از مهم‌ترین نکات در بیان درد و رنج، در کنار ماهیت و غایت آن، وجود شناسی درد و رنج است. مقصود از وجود شناسی، معنای عام آن است که به بحث‌های مربوط به وجود یا عدم درد و رنج نظیر انواع، علل و راه‌های رهایی از آن می‌پردازد.

^{۱۱} . شیرخدايي، انسيه، مقاله «رنج در مسيحيت»، ماهنامه /اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۴۷، اسفند ۱۳۹۴، سال دهم.

^{۱۲} متی ۱۷: ۱۲؛ ۲۱: ۱۸؛ مرقس ۵: ۳ // ۱، ۸۱ پطرس ۲: ۲۱، ۲۲.

^{۱۳} . فرهنگ فارسی معین.

^{۱۴} . فرهنگ دهخدا.

^{۱۵} . محمدی، هاشم، مقاله «رنج‌های شاعران»، ماهنامه حافظ، شماره ۱۰۶، تهران، دائرة المعارف ایران شناسی.

در میان زنان شاعر، «فروغ فرخزاد» و «سیمین دانشور» از زنان شاعر معاصر، در بیان درد و رنج‌های بشری و فلسفه وجودی آن، ضمن توجه به ابعاد زیباشناختی مفاهیم، به ابعاد تمثیلی و اسطوره‌ای درد و رنج نیز توجه ویژه‌ای دارند. نگاهی کلی به اشعار این دو شاعر نشان می‌دهد، هر دو با توجه به جایگاه زن در اسطوره‌ها و نقش او در هبوط انسان، به اسطوره میوه ممنوعه و رویداد ازلی آدم و حوا و اغوای ابلیس و هبوط آن توجه کرده‌اند. رویکرد به این اسطوره، با عنایت به اینکه هر دو شاعر زن هستند، نمودار اهمیت این مسئله به‌عنوان اولین درد انسان در نگاه و اندیشه این دو شاعر است.

در بحث وجود شناسی، می‌توان درد و رنج را در نگاهی فراگیر در محورهایی همچون انواع، علل و راه‌های رهایی از آن بررسی و تحلیل کرد که بیشترین بحث در این حوزه به علل و عوامل درد و رنج اختصاص دارد. توجه به علل و عوامل درد و رنج، نشان‌دهنده اهمیت کشف این موضوع، در اندیشه این دو شاعر است.

ارزیابی کارآمدی پاسخ‌های عطار به مسئله رنج

انسجام و سازگاری معانی رنج از دیدگاه عطار

رنج جایگاه‌های مختلفی دارد. رنج حاصل از بیماری (با شدت کم یا زیاد)؛ پریشان‌خاطری ذهنی؛ تشویش فکری و روحی از جایگاه‌های رنج است و رنج به معنی حالت هیجانی بسیار ناخوشایند همراه با درد یا پریشانی خاطری است. رسیدن به امور معنوی برای رسیدن کمال، مستلزم رنج کشیدن است.

اما نظرات عطار در مورد معانی رنج:

عطار معانی رنج را شامل: کمال و پرورش روح، رسیدن به مقام رضا پس از مقام صبر و شکر، سنجه ایمان و اخلاص، دست نیاز بردن به‌سوی خدا، دریافت تشفی و تسلاهی الهی، فنا فی الله، عدم لزوم باخبری عقل ناقص انسان از تدابیر فلک؛ می‌داند. هرکدام از این عناوین، رنج را به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که از سویی نیز علت رنج مشخص گردد. یعنی انسان به دلیل «عدم لزوم باخبری عقلش از تدابیر فلک» است که مشکل پیش‌آمده را برای خویش رنج می‌پندارد و حادثه روی‌داده را رنج می‌داند. در صورتی که اگر می‌دانست این رویداد برای «کمال و پرورش روح» او برای رسیدن به مقامات بالاتر و بالارزش‌تر است و شامل «فنا فی الله» که اوج آرامش و زیبایی برای روح انسانی است، هرگز آن رویداد را رنج معنی نمی‌کرد.

از سویی بسیاری از حوادث ناگواری که برای انسان روی می‌دهد به‌عنوان «سنجه‌ای برای ایمان و اخلاص» اوست. علت این معنی از آن جهت است که انسانی که ادعای ایمان و حب خداوند را دارد، در سختی‌ها به‌جای بی‌طاقتی، صبوری و به‌جای کفر و اعتراض، شکرگزاری می‌کند تا به «مقام رضا پس از مقامات صبر و شکر» برسد. از آن‌سو، هرگز دست از دامن الهی کوتاه نمی‌کند و مدام «دست نیاز به‌سوی خدا» بلند می‌کند و خدا تنها کسی است که از او «درخواست تشفی و تسلا دارد، الله» است.

کمال و پرورش روح در جزء‌های: پرهیز از عقل‌گرایی محض، دوری از پلیدی، ترک «من» و «جان» در راه عشق، اهمیت تلاش و دعا در راه معشوق؛ تقسیم‌شده است.

رسیدن به مقام رضا پس از مقام صبر و شکر در جزء‌های: گذراندن مقامات برای رسیدن به مقام رضا، رسیدن به مقام رضا پس از گذر از مدارج سیر و سلوک؛ بیان‌شده است.

دست نیاز بردن به‌سوی خدا در جزء‌های: دعا راهی برای رهایی از مشکلات دنیوی، دعا راهی برای رفع مشکلات زندگی کس دیگری و بخشیده شدن گناهان وی؛ تقسیم‌شده است.

می‌بینیم که رنج مرحله‌به‌مرحله و با اتصال به یکدیگر معنی و مفهوم پیدا می‌کند و انسجام و یکپارچگی عمیقی بین معانی رنج از دیدگاه عطار وجود دارد.

انسجام و سازگار تسلاهای رنج از دیدگاه عطار

تسلی‌هایی که عطار نیشابوری برای رهایی از رنج پیشنهاد می‌دهد شامل: نخواستن و طلب نکردن چیزی، یادکرد ماهیت ناپایدار این جهان، یادکرد نعمات و الطاف پیشین الهی، یادکرد غم افزون‌تر عشق و طلب الهی، اعتراض به خدا در یک رابطه نزدیک، یادکرد اینکه مشکلات برای همه مردم است، سر فرود نیاوردن در برابر مشکلات سبب رشد و بلند رفتی است. یادکرد ماهیت ناپایدار این جهان شامل: ویژگی این جهان، ناپایدار است، در کنار هم قرار گرفتن ضد و پدیده‌ای، ابدی نبودن رنج‌های دنیایی و پایان یافتنشان با مرگ، بی‌ارزش بودن دنیا و ابتدای سخت و انتهای زیبا در مسیر سوختن در راه معشوق؛ است.

یادکرد نعمات و الطاف پیشین الهی در اجزای: برگزیدگی، نعمت الهام الهی؛ تقسیم‌شده است. یادکرد غم افزون‌تر عشق و طلب الهی شامل جزءهای: جدا بودن عذاب عاشقان از عذاب دنیایی همراه با روابط علی و معلولی، ارزشمند بودن تلاش همه افراد در راه رسیدن به فنا فی الله، لزوم قرار گرفتن جان عاشق در مسیر نسیم الهی برای رسیدن به وادی طلب، لزوم طلب سلوک برای رسیدن به فنا؛ است. اعتراض به خدا در یک رابطه نزدیک در جزءهای: راهگشا نبودن ناله و زاری، اعتراض شوریده‌حال به خدا و سوختن و خاکستر شدن در راه طلب؛ تقسیم می‌شود.

یکی از عواملی که انسان را رنج می‌دهد سنجیدن همه‌چیز با عقل است. وقتی بسیاری از کارها را با عقل می‌سنجیم جز تحمل رنج و سختی هیچ فایده‌ای برایمان ندارد. ولی وقتی انسان از این چرتکه بیرون می‌آید و مجذوب یار می‌شود، دیگر سختی‌ها و مشکلات برایش ارزشی ندارد و تنها فکرش رسیدن به معشوق است:

چو تو هستی مرا دیگر همه هست

همه دستم دهد، چون تو دهی دست

کاری مثل رفتن به میدان جنگ یا فداکاری برای رسیدن سایر انسان‌ها به درجات بالاتر و حرکت صحیح آن‌ها در مسیر حق، امری است که حتماً دارای رنج و سختی است ولی وقتی عاشق به رضای محبوب و معشوق فکر می‌کند، این سختی‌ها برایش نه‌تنها قابل تحمل بلکه شیرین و گوارا می‌شود.

پرنده «تنگ باز» در شعرهای عطار نشان از شخصیت‌هایی دارد که سعی می‌کنند همه‌چیز را با عقل بسنجند و عطار همین ویژگی آن‌ها را در راه رسیدن به معشوق، مانعی بزرگ می‌داند:

عقل مادرزاد کن با دل بَدَل

تا یکی بینی اَبَد را تا ازل

راهکار دیگری که عطار برای رهایی از رنج به انسان پیشنهاد می‌دهد، دوری ذهن خود از دریافت پاداش در قبال کارهایی است که انجام می‌دهد. «طاووس» صفت بودن در اندیشه عطار، یعنی توقع پاداش در قبال انجام هر کاری. و گرفتن نعمت بهشت در قبال آنچه انسان انجام می‌دهد، خود نوعی رنج است ولی رهایی روح از دریافت پاداش، انسان را در همه تحمل هر رنجی راه می‌کند.

گر خلاصی باشدت زین مار زشت

آدمت با خاص گیرد در بهشت

این دو راهکار برای همه‌کس قابل‌استفاده نیست و تنها عده خاصی می‌توانند در این مسیر حرکت کنند. زیرا برای رسیدن به این مقام بسیار باید بر روی روح کار کرد و او را به حدی از رشد و تعالی رساند که بتواند فقط به رضای معشوق فکر کرد و از سود و زیان سنجیدن ذهن خود را دور کند.

ترک «من» و «جان» کردن، بسی سخت‌تر از دو پیشنهاد بالای عطار برای رهایی از رنج است و بی‌شک تنها از کسانی برمی‌آید که سال‌ها عمر خویش را در راه سیر و سلوک عرفانی گذرانده و آن‌قدر در معشوق مجذوب شده‌اند که از جان و هرگونه منیّتی دور هستند.

اما برای این سهرام دشوار، راهکاری را خود عطار ارائه می‌کند و آن استفاده از دعا و تضرع و زاری برای رسیدن به مقام قرب است و درنهایت رهایی از رنج. مثل راهی که شاگردان شیخ برای رهایی از رنج گمراهی او در پیش گرفتند و درنهایت به خواسته خود رسیدند.

چهارمین راهی که عطار به انسان‌ها توصیه می‌کند و البته قابل‌اجرا برای تمامی افراد است، اندیشیدن به این امر است که این دنیا سرایی است ناپایدار و هر کس مدت بسیار کمی که آن مدت نیز به خواسته معشوق و محبوب است، در این دنیا زندگی می‌کند. پس هر آنچه از لذات بر او پدید می‌آید و هر آنچه سختی و رنج تحمل می‌کند، تماماً ناپایدار است و همگی روزی تمام می‌شوند.

تو دریا بین اگر چشم تو بیناست

که عالم نیست عالم، کفک دریاست

و درنهایت زندگی این دنیا با مرگ پایان می‌یابد و هر آنچه تحمل کردی به اتمام می‌رسد:

جهان بگذار و بگذر زین سخن زود

چو باقی نیست، در باقیش کن زود

کارآمدی تسلاهای رنج از دیدگاه عطار در رنج‌های شدید

برای پاسخ به این بخش باید در ابتدا دید رنج‌های شدید شامل چه مواردی است. داشتن فرزند یا همسر بیمار، از دست دادن مال و دارایی، مرگ و فراغ محبوبین و... از مواردی است که به نظر انسان سخت و سنگین است.

اما در واقع و به کلام الهی، هرکسی به اندازه‌ای مصیبت و سختی در زندگی دریافت می‌کند که به همان اندازه نیز صبر و شکیبایی از سوی خدا به او خواهد رسید. «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^{۱۶}

از سویی در گفته‌های قبل بیان داشتیم که فردی که در برابر سختی‌ها و مشکلات، صبر کند، روح خود را رفیع کرده و به مقامات بالاتر می‌رسد.

اما این سخنان برای بسیاری از مردم که زندگی عادی دارند و همیشه مشغول روزمرگی هستند، قاعدتاً قابل‌فهم و درک نیست. مادری را تصور کنید که صبح فرزند جوانش برای کسب روزی یا تحصیل علم از خانه بیرون رفته و ساعتی بعد خبر مرگ او را برایش می‌آورند. این مادر سال‌ها برای رشد و تربیت فرزندش زحمت کشیده و آرزوها برای او دارد. و حالا که بدون هیچ مقدمه‌ای مانند بیماری، فرزندش را از دست داده، نمی‌توان گفت که تو نباید از دنیا چیزی طلب کنی.

اما اگر این مادر بداند که این جهان ناپایدار است و مدت زندگی در آن کوتاه است و حیات ابدی برای جهان ابدی است و در آنجا بدون سختی و رنجی در کنار فرزندش قرار خواهد گرفت، می‌تواند بیشتر صبوری کند.

در رنج‌ها و سختی‌های بزرگ‌تر، به تناسب روحیه فرد مصیبت‌دیده می‌توان از راهکارهای عطار استفاده کرد اما تمام این راهکارها برای عموم رنج‌ها قابل‌استفاده است. برای رنج‌های سخت‌تر باید از راهکارهای خاص‌تر استفاده کرد.

«یادکرد ماهیت ناپایدار این جهان» با تمام زیرمجموعه‌های آن از جمله اینکه «هر پدیده‌ای با ضد خود کنار هم هستند» پس سلامت و بیماری، حیات و ممات، لذت و غم و ... همه کنار هم قرار دارند، پیش از وقوع حوادث، می‌تواند به انسان برای تحمل رنج‌های سنگین کمک کند.

از سوی دیگر رنج‌هایی در زندگی انسان هستند که دائماً و در طول زندگی انسان همراه با او است. مانند معلولیت. یا زندگی در کنار همسری بدخلاق. توجه به آیات و روایاتی که برای این افراد پاداش بسیار خوبی وعده داده از یک سو و دوم توجه به این مطلب از دیدگاه عطار که «رنج‌های دنیا ابدی نیست و با مرگ پایان می‌یابد» از سوی دیگر، باعث کاهش رنج تحمل این سختی‌ها می‌شود.

^{۱۶}. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

راهکار دیگری که عطار پیشنهاد داده و با آن می‌توان رنج‌های سخت و سنگین را کمی راحت‌تر تحمل کرد، «یادکرد وجود مشکلات برای همه مردم» است. هر انسانی وقتی به‌تنهایی به مشکلات خود نگاه می‌کند، گمان می‌کند فقط اوست که از این حادثه رنج می‌برد. اما وقتی با دیگر افرادی که مشکلی مانند او دارند و رنج مشترکی را تحمل می‌کنند، همراه می‌شود، احساس می‌کند باری که بر روی دوشش سنگینی می‌کرد و گمان می‌کرد در تمام هستی تنها اوست که این رنج را به دوش می‌کشد، حال عده دیگری در کنارش این بار را حمل می‌کنند. و این احساس به انسان انتقال پیدا می‌کند که سنگینی بار روی دوشش را با دیگران تقسیم کرده است.

تشکیل NGOها و فرهنگسراها و محیط‌هایی در دنیای فعلی برای جمع شدن افراد برای همکاری و همیاری یکدیگر، جایی برای تقسیم دردها و مشکلات است. که دقیقاً به پیشنهاد عطار عمل کرده و باعث شادابی روحی عده زیادی شده است.

تسلای رنج از دیدگاه عطار برای همه مردم کارآمدی دارد یا فقط برای عده‌ای خاص؟

به‌طور کل برای رسیدن به مقام رضا از هر آنچه معشوق بر سر عاشق می‌رساند، باید هم صبور بود و هم شاکر. یعنی در برابر اتفاقاتی که پیش می‌آید صبور بود و بر هر آنچه روی می‌دهد شاکر بود. اینجاست که عاشق به مقامی می‌رسد که جز رضایت معشوق هیچ طلبی ندارد. و رسیدن به نعمات دنیوی و معنوی هم برایش بی‌ارزش است.

اما این مقام رضا زمانی حاصل می‌شود که روح انسان که مدت‌ها عادت به تأمین امیال دنیوی خود داشته، عادت کند به معشوق فکر کند و تنها از او رزق و روزی خود را بگیرد. بداند که این ذات باری تعالی است، که صاحب همه‌چیز او است و هر آنچه او می‌پسندد صحیح است. «باز تیزپرواز» در شعر عطار نشان از وجودی دارد که با تربیت در دست صاحب خود و بسته بودن چشمانش از هر آنچه غیر صاحب اوست، تنها به رزاق خود که همان صاحبش است فکر می‌کند و جز او کسی را دخیل در اموراتش نمی‌داند و همین امر باعث می‌شود، از هر آنچه از طرف صاحبش به او می‌رسد، راضی باشد:

هم ز دنیا هم ز عقبی درگذر

پس کلاه از سر بگیر و در نگر

چون بگردد ز دو گیتی رای تو

دست ذوالقرنین آید جای تو^{۱۷}

از این سخنان فهمیده می‌شود که نباید گمان کرد که رسیدن به مقام رضا و ذوب شدن در معشوق تنها راه عده‌ای بسیار اندکی است. زیرا آن‌ها هم از میان همین مردم هستند و مثل همین مردم نیازها و توانایی‌هایی دارند. ولی به سبب ورزش دادن روح خود با دعا و زاری و تحمل سختی‌ها و مشکلات و توکل به ذات حق، توانسته‌اند به مقام رضا برسند و هر رنجی که از معشوق می‌رسد را با جان‌ودل بپذیرند.

نکته بسیار مهمی که نباید از آن غافل شد، پرسیدن این سؤال است که چرا این اتفاقات برای انسان روی می‌دهد که سختی و رنج را در پی داشته باشد؟ علت این رویدادها چیست؟ چرا معشوق می‌پسندد که عاشق در تعب و رنج بیفتد؟

در ابتدا باید این‌گونه پاسخ داد که این عاشق یک عاشق معمولی نیست، بلکه فردی است که هنوز کودک روح او مشغول رشد است و باید برای رسیدن به درجات بالا، راه‌هایی را بپیماید. تا عنصر وجودی او شایسته دریافت و رسیدن به آن مقامی شود که لایق آن است. مانند زر که باید حرارت آتش را تحمل کند تا ناب گردد و به خلوص برسد.

عطار در داستان‌های خود اشاره به غلام طبق به سری می‌کند که روی طبق پوشیده شده. و پاسخ به کسی که می‌پرسد داخل طبق چیست می‌گوید اگر لازم بود بدانی، رویش را نمی‌پوشانند:

ز روی عقل اگر بایستی این راز

که تو دانستی، بودی سرش باز

انسان نیز لازم نیست، از هر آنچه از سوی معبود بر او روی می‌دهد آگاه شود، زیرا عقل ناقص او تحمل دریافت آنچه محبوب بر او می‌پسندد را ندارد.

^{۱۷} عطار نیشابوری، محمد، منطق‌الطیر، ابیات ۶۷۱ تا ۶۷۵.

راهکارهای عرفانی عطار نیشابوری، مشکلات اخلاقی ندارند؟

یکی از راهکارهایی که عطار ارائه می‌دهد، «نخواستن و طلب نکردن هیچ چیز» است. در ابتدای امر این گونه جلوه می‌کند که عارف و سالک واقعی کسی است که هیچ چیزی از بهره‌های دنیایی و عقابایی طلب نکند و تنها به فکر خالق باشد و این فرد موردقبول و مقرب درگاه حق است.

بارها به گوش رسیده که عده‌ای به عنوان تارک دنیا، از هر آنچه نعمت دنیا است دوری کرده و همه چیز را فدای مقامات اخروی می‌کنند. در نتیجه یا مانند راهبان مسیحی تجرد انتخاب می‌کنند و خود را از لذت داشتن همسر و فرزند و زندگی مشترک دور می‌کنند و یا اگر دارای خانواده باشند، عرصه را بر خانواده خود تنگ می‌گیرند و از آن‌ها نیز می‌خواهند همراهشان، از دنیا دوری کنند.

بارها و بارها این گونه موارد به گوش رسیده و عده‌ای نیز در مقام تشویق این افراد برآمده‌اند و آن‌ها را رهروان موفق راه طریقت دانسته‌اند.

اما اگر به روایات نگاهی بیندازیم خواهیم دید این گونه زندگی‌ها به شدت مورد مذمت اهل بیت (علیهم السلام) قرار گرفته است. امام رضا علیه السلام: لیسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛ از ما نیست آن که دنیای خود را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک گوید.^{۱۸} چراکه «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ»^{۱۹}. پس باید از نعمات و لذات حلال دنیا بهره‌مند شد: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۳۱) قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^{۲۰}

در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بعضی از اصحاب مانند عثمان بن مظعون و بلال از روی ایمان و تقوا و برای تهذیب نفس، خود را از بعضی از لذایذ دنیوی محروم کردند و تصمیم گرفتند که با زنان خود هم‌بستر نشوند و خوردن و آشامیدن را به حداقل برسانند و شب‌ها کم بخوابند. این کار آن‌ها خوشایند و مرضی خدا واقع نشد و فرشته وحی نازل شد و با این آیه آن‌ها را از این کار منع کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده حرام نکنید و از حد نگذرید که خدا از حد گذرندگان را دوست ندارد و از آنچه خدا به شما روزی کرده حلال و پاکیزه بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید پروا کنید»^{۲۱}

خلاصه امر اینکه این راهکار بدون توجه به توضیحات عطار مبنی بر این که مفهوم طلب نکردن چیزی، تنها توقع نداشتن پاداش برای صبر در مقابل رنج است، می‌تواند برای انسان مشکلاتی ایجاد کند.

یکی دیگر از راهکارهایی که عطار ارائه می‌دهد توجه به این مطلب است که انسان آگاه شود که «رنج‌های دنیایی ابدی نیست و با مرگ پایان می‌یابد». این مطلب می‌تواند این مشکل را ایجاد کند که برخی به خودکشی برای پایان دادن زندگی این دنیا و رهایی از رنج و سختی فکر کنند.

درحالی که منظور عطار از این پیشنهاد این است که غم این دنیا را نباید خورد زیرا درنهایت برای هیچ کس باقی و وفادار نیست :

همه دنیا به یک جو غم نیرزد

چو یک جو، نیم ارزن هم نیرزد^{۲۲}

^{۱۸}. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۶.

^{۱۹}. سوره حجر، آیه ۸۵.

^{۲۰}. اعراف، آیه ۳۱ و ۳۲.

^{۲۱} مائده، آیه ۸۷ و ۸۸.

^{۲۲}. عطار نیشابوری، محمد، سرانامه، بیت ۲۱۹۷.

بررسی بجا بودن تسلاهای رنج از دیدگاه عطار نیشابوری از منظر اخلاقی یا الهیاتی

دعا کردن از مهم‌ترین راه‌هایی است که عطار بارها و بارها به آن اشاره می‌کند و از سالکان می‌خواهد از این راه برای رفع مشکلات خود استفاده کنند. جایگاه «تذرو» که در چاه ظلمانی گرفتار آمده تشبیه از افرادی است که در زندان این دنیا اسیر شده‌اند و برای رسیدن به معشوق باید رها شوند و این رهایی به‌وسیله دعا ممکن است:

خویش را زین چاه ظلمانی برآر

سر ز اوج عرش رحمانی برآر

نکته بسیار مهمی که به زیبایی در داستان شیخ صنعا گنجانده شده است، اشاره به دعا برای دیگران است. تمامی ما انسان‌ها در چاه ظلمت دنیا و وابستگی‌های آن دچار هستیم. اما این رهایی زمانی شیرین و لذت‌بخش است، که همه به همدیگر کمک کنند و برای رهایی یکدیگر تلاش کنند. این همان کاری است که یاران شیخ برای او انجام دادند:

شیخ چو اصحاب از دور دید

خویشان را در میان نور دید

هم ز خجلت جامه بر تن چاک کرد

هم بدست عجز بر سر خاک کرد

پس برای رسیدن به مقام رضا از آنچه معشوق بر انسان پیش می‌آورد، نه‌تنها برای خود، بلکه باید برای همدیگر دعا کنیم. و این همان چیزی است که در سخنان الله و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بارها و بارها بیان شده است که انسان نباید فقط به فکر خود باشد بلکه باید برای دیگران هم تلاش کند. و چه‌بسا کمک به دیگران و دعا برای آن‌ها، باعث ترقی خود او با سرعت بیشتری خواهد بود.

دومین راهکاری که عطار ارائه می‌دهد توجه به زندگی پیامبران و معصومین (علیهم‌السلام) است. علی‌الخصوص سختی‌هایی که حضرت رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله) در زندگی خود خصوصاً در دوره تبلیغ شریعت متحمل شدند. عطار از مردم می‌خواهد رنج‌هایی که در زندگی متحمل می‌شوند، با آنچه بر این بزرگواران روی داده مقایسه کنند. و آن‌گه ببینند هر آنچه بر آن‌ها روی داده بارها در زندگی معصومین اتفاق افتاده و تنها آن‌ها نیستند که در زندگی این تعب و مشکلات را چشیده‌اند. به‌طور روانشناسی هم که مورد بررسی قرار دهیم، انسان وقتی می‌بیند درد و رنج او را دیگران هم چشیده‌اند، تحمل سختی برایش آسان‌تر می‌شود. گویا با این کار، سختی رنج خود را با دیگران به اشتراک گذاشته و از بار آن کم شده است.

سومین راهکاری که عطار ارائه می‌کند، توجه به نشانه‌های الهی برای کاهش درد و رنج است. یکی از این نشانه‌ها، می‌تواند دیدن سختی‌های دیگران باشد که در بخش قبل به آن اشاره شد ولی چیزی که عطار در داستان شیخ صنعا به آن اشاره کرده است، خواب دیدن است. انسانی که روح خود را با دعا و عبادت و عمل خیر پاک کرده، به مقامی می‌رسد که برخی از خواب‌های او دیگر خواب‌های دنیوی نیست و وحی الهی است. خوابی که شاگرد شیخ برای رهایی او بعد از چله‌نشینی می‌بیند، از جمله خواب‌هایی است که به‌عنوان هدیه الهی است برای رهایی از رنج و سختی.

کمک‌کننده بودن تسلاهای رنج از دیدگاه عطار نیشابوری در اصلاح اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در برابر اجتماع

رنجی که در زندگی هر انسانی روی می‌دهد، ممکن است او را به مسیرهای مختلفی بکشد. درواقع این خود انسان است که تصمیم می‌گیرد با رنج پیش‌آمده چه کند. بر اساس ویژگی انسانی خود مدتی را به سوگواری و اندوه رنج پیش‌آمده خواهد گذراند. اما پس از آن، این انتخاب اوست که با آن رنج مدارا کند یا در برابرش تسلیم گردد.

بسیاری از افراد در برابر رنجی که برایشان پیش می‌آید، کنج عزلت برمی‌گزینند و با مشکل پیش‌آمده خود را از همه دنیا جدا می‌کنند و یا مدام آه و ناله سر می‌دهند.

اما برخی دیگر که روحیه جنگجویی و مبارزه‌گری‌شان را تقویت کرده‌اند، این رنج را همراه خود می‌کنند و در مسیر زندگی‌شان به دنبال کسانی هستند که با آن‌ها در این رنج مشترک‌اند. هر کس که ببیند با آن‌ها در داشتن گوشه‌ای از این رنج مشترک است، هم‌دلی می‌کنند و از تجربه‌های خود برای سهل کردن آن رنج سخن می‌گویند. این‌گونه افراد، تنها خود را

نمی‌بینند بلکه دایره‌ای از انسان‌ها را در کنار خود می‌بینند که از مشکل شبیه خودشان رنج می‌برند. پس دست دوستی و همراهی به سویشان دراز می‌کنند تا در رفع این غم با یکدیگر همکاری کنند. این رفتار که برگرفته از تفکری عمیق در اصلاح جامعه انسانی است، ناشی از تفکر مسئولیت‌پذیری یک فرد است. اینکه باوجود داشتن رنجی در اعماق وجود خود، دست دیگران را هم می‌گیرد و آن‌ها را یاری می‌کند.

راه‌حل دیگری که عطار ارائه می‌کند و برای کسانی است که دلسوز مردم هستند، «قرار گرفتن جان عاشق در مسیر نسیم الهی است تا به وادی طلب کشیده شود». وقتی کسی بداند که اگر انسان‌ها عاشق خداوند شوند و خودشان را در مسیر الطاف الهی قرار دهند، حتماً به جایی می‌رسند که جز او کسی را طلب نمی‌کنند؛ این شخص هرچقدر مشکل و سختی در مسیر راهش باشد تحمل می‌کند و «طبییب دوار» به دنبال انسان‌ها می‌گردد و آن‌ها را عاشق الله می‌گرداند و در مسیر نسیم حق قرار می‌دهد. این فرد در وجود خود انسان دوستی عظیمی دارد که این مسئولیت را بر خود واجب گردانده که انسان‌ها را به حقیقت واقعی‌شان هدایت کند.

راهکارهای عطار نیشابوری برای تسلی رنج، بشری و انسانی است یا فوق بشری؟

باوجود زیبا بودن راهکارهای عطار نیشابوری در تسلی رنج، باید پذیرفت که برخی از این راهکارها از انسان عادی که عموم جامعه را تشکیل می‌دهد، برنمی‌آید.

انسان‌هایی که سال‌ها عادت کرده‌اند عبادت مختصری انجام دهند و به دنبال رزق خود بروند و با فرزند و عیال و خانمان سرگرم باشند.

چنین انسانی، حال دچار رنج بزرگی در زندگی خود شده است و عطار به‌عنوان یک عارف به او پیشنهاد می‌دهد که بپذیرد این دنیا ماهیت ناپایداری دارد و بپذیرد که غم بیشتر در عشق و طلب الهی است و تلاش در مسیر فنا فی الله باید داشت و ... مسلماً این سخنان نمی‌تواند رنج زندگی را از دوش کسی بردارد. پس آیا این‌ها فوق بشری است و انسان زمینی نمی‌تواند به آن برسد؟

در پاسخ باید به مطالب گذشته بازگشت که عطار از میان همین مردم بر خواسته است و رنج‌های آن‌ها را دیده و قاعداً نمی‌تواند راهکاری ارائه دهد که دوايي بر مرهم زخم‌های آن‌ها نگذارد.

عطار از چیزی سخن می‌گوید که برای انسان‌های عادی نیز قابل انجام باشد. تنها نکته در این است که برای تسهیل در تحمل این رنج‌ها، باید روح را پرورش داد و او را به درجه‌ای رساند که مهم‌ترین درد برایش درد افتادن از چشم محبوب اصلی باشد. وگرنه حتی ساده‌ترین راه‌حل‌ها برای او غیرقابل انجام می‌شود و ممکن است درنهایت به کفر گویی برخیزد. پس انسان به‌تنهایی یا به کمک عرفا و اهل علم و دین، می‌توان روح را به حدی رساند که بتواند از تمامی تسلی‌های عطار به فراخور رنجی که می‌کشد، بهره‌مند شود.

عملی و تجربی بودن راهکارهای عطار نیشابوری برای تسلی رنج

در پاسخ به این پرسش که آیا راهکارهای عطار برای تسلی رنج، عملی و تجربی است؟ باید گفت بله. راهکارهایی که عطار برای تسلی رنج ارائه می‌دهد به دو دسته فکری و عملی تقسیم می‌شود. دسته‌ای از راهکارها نیاز به فکر و در درجه بالاتر نیاز به تهذیب روح و فکر دارد. و برخی با عمل کسب می‌شود.

وقتی عطار از ناپایداری این جهان سخن می‌گوید و به انسان یادآور می‌شود که در این جهان هر چیزی با ضد خود، در کنار هم قرار گرفته و رنج‌های این دنیا ابدی نیست و با مرگ پایان می‌یابد؛ انسان باید در این جایگاه بیندیشد و این مسائل موردقبول هر انسان عاقل و بالغی است که در زندگی تجربه‌هایی همچون سلامت و بیماری، مرگ و زندگی، شادی و غم را دیده یا تجربه کرده است. پس می‌پذیرد که جهان این‌گونه خلق شده است که هیچ چیز، پایدار نیست و همان‌طور که زیبایی شادی را می‌پذیرد، باید ناراحتی غم را بپذیرد. یا همان‌طور که از تولد و زندگی خوشحال است، از مرگ نیز ناراحت می‌شود. پس این جهان، آفرینشی این‌گونه دارد.

دومین راهکاری که عطار ارائه می‌دهد و کاملاً قابل‌اجرا است و در دسته فکری قرار دارد، توجه به نعمات و الطاف پیشین الهی است. اینکه انسان به این امر بیندیشد که خداوند او را بیهوده نیافریده است و این همه رنج او حتماً به‌منظور خاصی است و از سویی دیگر به نعماتی که خداوند به او در زندگی عطا کرده است، بیندیشد. این راهکار فکری است ولی قابل‌اجرا برای تمامی افراد جامعه هست و هرکسی که از هوش و عقل نسبی هم بهره‌مند باشد، می‌تواند به این اندیشه برسد. اما سومین راهکار فکری عطار، قابل‌اجرا و تجربه برای همه کس نیست. و آن ذوب شدن در طلب و عشق الهی است. رسیدن به فنا فی الله برای هرکسی قابل‌اجرا نیست و نمی‌توان این نسخه را برای همه مردم جامعه صادر کرد. اما توجه به مشکل داشتن همه مردم، اتفاقی است که کاملاً عملی و تجربی است و انسان با توجه به این قضیه و قرار دادن خود در موقعیت‌هایی که متوجه اشتراک رنج سایر افراد باشد، می‌تواند از رنج خود بکاهد و آن را برای خود قابل‌پذیرش کند.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

کتاب‌ها

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، چاپ هشتم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، مقدمه و تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله، *الهیات شفا*، مترجم: ابراهیم دادجو، بی‌چا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸ ش.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول علیه‌السلام*، چاپ اول، قم، آل علی، ۱۳۸۲ ش.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، *فلاح السائل*، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن عربی، محمد بن علی، *فصوص الحکم*، مترجمین صمد موحد و محمدعلی موحد، بی‌چا، تهران، کارنامه، ۱۳۸۶ ش.
۷. ابن منظور، محمد به مکرم، *لسان العرب*، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۸. اشرف زاده، رضا، *حکایت رابعه*، چاپ اول، انتشارات اساطیر، سال ۱۳۸۲ ش.
۹. انصاری شیرازی، یحیی، *دروس شرح منظومه حکیم متاله حاج ملاهادی سبزواری*، بی‌چا، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. انصاریان، حسین، *عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه)*، محقق: محمدجواد صابریان، محسن فیض پور، بی‌چا، قم، نشر دارالعرفان، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و درر الکلم*، مصحح مهدی رجایی، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. خوارزمی، حسین بن حسن، *شرح فصوص الحکم*، محقق حسن حسن زاده آملی، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. ریتر، هلموت، *دریای جان*، ترجمه دکتر عباس زیاب خویی و دکتر مهرآفاق بابیردی، بی‌چا، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. زرین کوب، عبدالحسین، *صدای بال سیمرغ، درباره زندگی و اندیشه عطار*، بی‌چا، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. زنوزی، عبدالله بن بیرمقلی باباخان، *لمعات الهیة*، مصحح جلال‌الدین آشتیانی، چاپ دوم، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. ستاری، جلال، *پژوهشی در قصه‌ی شیخ صنعان و دختر ترسا*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. سعدی شیرازی، گلستان سعدی، مصحح: محمدعلی فروغی، چاپ اول، تهران، ققنوس، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، چاپ دوم، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۸ ش.

۲۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *مفاتیح الغیب*، مقدمه و تصحیح: محمد خواجهوی، چاپ اول، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۳ش.
۲۱. عراقی، محسن، *اصول عرفان ناب اسلامی در معارف سجادی (علیه السلام)*، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۲ش.
۲۲. عطاپور، اردلان، *اقتدا به کفر، بی‌چا، نشر علم*، تهران، ۱۳۹۱ش.
۲۳. عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، *اسرارنامه*، مصحح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۶ش.
۲۴. عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، *خلاصه منطق الطیر*، به اهتمام صادق گوهرین، بی‌چا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲ش.
۲۵. عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، *مصیبت‌نامه*، مصحح: محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۶ش.
۲۶. عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، *منطق الطیر*، چاپ هفتم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰ش.
۲۷. عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، *منطق الطیر*، مصحح: محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم، سخن، تهران، ۱۳۸۴ش.
۲۸. فاضلی، قادر، *اندیشه عطار، تحلیل افق اندیشه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری*، انتشارات طلایه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۲۹. فروزان فر، بدیع‌الزمان، *شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری*، بی‌چا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش.
۳۰. قاضی، نعمت‌الله، به‌سوی سیمرغ، چاپ سوم، تهران، انتشارات پیروز، ۱۳۵۰ش.
۳۱. کاظم زاده، پروین، *بلا از دیدگاه عطار نیشابوری و مولوی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، ۱۳۸۶ش.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، به اهتمام محمدحسین درایتی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۷ش.
۳۳. گیلانی، عبدالرزاق، *مصابح الشریعه*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
۳۴. مالکی، هرمز، *راز درون پرده: هرمنوتیک داستان شیخ صنعان*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰ش.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۶. محمدی ری‌شهری، محمد، *دانش‌نامه عقاید اسلامی*، چاپ دوم، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۶ش.
۳۷. معین، محمد، *فرهنگ معین*، چاپ سوم، تهران، انشارات زرین، ۱۳۸۶ش.
۳۸. هاشمی فرد، سید محمد، *تشخیص در منطق الطیر*، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۸، سال سیزدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۵ش.

مقالات

۳۹. اصفهانیان، نامیه، مقاله «پا به پای فیلسوفان بزرگ»، *فصلنامه مشاور مدرسه*، شماره ۴۸.
۴۰. امینی، حسن، مقاله «خیر و شر در مکتب ابن عربی»، *نشریه معارف عقلی*، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۷ش.
۴۱. ابراتی، زینب، مقاله «تسلی خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قرآن و یاسین»، *فصلنامه بینات*، شماره ۸۲.
۴۲. پورمحمدی، نعیمه، «مسئله پاسخ به مسئله اگزیستانسی شر در الیهات مسیحی»، *نشریه جستارهای فلسفه دین*، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲ش.
۴۳. خدادادی، محمد، «تحلیل رمزهای سه‌گانه در مصیبت‌نامه عطار»، محمد خدادادی، *پژوهشنامه عرفان*، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.
۴۴. رستمی، محمدحسن و دیگران، «رهایی از رنج در آموزه های قرآنی و آیین بودا»، *دوفصلنامه آموزه های قرآنی*، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.
۴۵. رودگر، محمدجواد، «نقش دین در رنج زدایی و کاهش آلام بشری با رویکردی به آرای استاد شهید مطهری»، *فصلنامه قبسات*، شماره ۸۱، پاییز ۱۳۹۵ش.
۴۶. سوئین برن، ریچارد، مقاله «شر طبیعی»، ترجمه داود قرجالو، *نشریه دین*، شماره ۱۸۱، آبان ۱۳۹۱ش.

۴۷. شیرخدایی، انسیه، مقاله «رنج در مسیحیت»، *ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت*، شماره ۱۴۷، اسفند ۱۳۹۴ش، سال دهم.
۴۸. علیزمانی، امرعباس، «مقاله معنای معنای زندگی»، *دوفصلنامه نامه حکمت*، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۶ش.
۴۹. فدوی، طیبه و دیگران، «بررسی و تحلیل بازتاب فنا در منطق الطیر عطار»، *فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت*، بهار ۱۳۸۹ش، شماره ۲۲.
۵۰. فدوی، طیبه و طغیانی، اسحاق، «بررسی و تحلیل بازتاب فنا در منطق الطیر»، *نشریه آینه معرفت*، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۹ش.
۵۱. گرجی، مصطفی و دیگران مقاله «مفهوم درد و رنج در نگاه شاعران زن معاصر با تاکید بر اشعار فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی»، *فصلنامه نقد ادبی*، شماره ۴۰.
۵۲. *ماهنامه همایون*، شماره ۱۰، قم، تیر ۱۳۱۴ق.
۵۳. محمدی، هاشم، مقاله «رنج های شاعران»، *ماهنامه حافظ*، شماره ۱۰۶، تهران، دایره المعارف ایران شناسی.
۵۴. مک کورد آدامز، ماریلین، مقاله «مشکل شر»، ترجمه ناهید حجازی، *فصلنامه نامه فلسفه*، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۰ش.
۵۵. موسوی بجنوردی، محمد، مقاله «خیر و شر»، *فصلنامه الهیات*، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۰ش.
۵۶. نصرتی، یحیی، مقاله «مکتب رنج»، *قرائت کرکگور از رنج در مسیحیت*، *نشریه نقد و نظر*، شماره ۶۸.